

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: احمد الربیعی
برگردان: م. قربانی
۱۰ سپتمبر ۲۰۲۳

نبرد امریکا، روسیه و ایران در سوریه و عراق



در بحبوحه هجوم هزاران نیروی امریکایی به غرب آسیا، سوریه بار دیگر به کانون نبرد چند جانبه کنترل (منطقه) تبدیل شده است، که احتمالاً در مرز آشفته و پر مناقشه آن با عراق رخ خواهد داد. ماه گذشته در تحولی مهم، کاروان‌های نظامی امریکا از طریق گذرگاه عرعر با عربستان سعودی وارد عراق شدند. در این نقل و انتقالات آشکار نیروی‌های خارجی، شاهد حرکت بخشی از کاروان به سوی پایگاه عین الاسد در غرب عراق، و بقیه آن به سوی پایگاه تحت اشغال امریکا، التنف، در سوریه بودیم. در ماه جولای، وزارت دفاع امریکا از طرح استقرار تقریباً ۲۵۰۰ سرباز از لشکر دهم کوهستان، مستقر در پایگاه نظامی فورت درام، پرده برداشت. مأموریت آن‌ها: عملیات عزم راسخ، نام رمز کارزار نظامی به رهبری امریکا علیه داعش در سوریه و عراق است. نظر به این واقعیت که از سال گذشته قرار بود نیروهای امریکا از عراق خارج شوند، رسانه‌های امریکا و مفسران سیاسی تلاش کردند تا مردم بدبین عراق را متقاعد کنند که تحرکات نیروهای جدید حامی پیشرفت سالم در سیاست‌های واشینگتن در قبال بغداد است. اما آیا این مؤثر خواهد بود؟

اهمیت ستراتیژیک سوریه

امروز، سوریه به کانون توجه جنگ قدرت روسیه، امریکا و ایران در غرب آسیا تبدیل شده است. این کشور دارای موقعیت ستراتیژیک ویژه، به عنوان دروازه محوری مدیترانه برای حضور نظامی روسیه عمل می‌کند و سنگ بنای محور مقاومت عربی (اسلامی م.) است که از ایران تا لبنان و فلسطین امتداد دارد.

اهمیت ژئوپلیتیک سوریه از موقعیت حیاتی آن در تقاطع سه قاره، و نیز همسایگی با پنج کشور: ترکیه (۸۲۲ کیلومتر)، عراق (۶۰۵ ک م)، اردن (۳۷۵ ک م)، لبنان (۳۷۰ ک م) و فلسطین (۷۶ ک م) ناشی می‌شود. به علاوه، گستره ساحلی آن در امتداد بحیره مدیترانه به طول ۱۹۲ کیلومتر، دارای نفوذ ستراتیژیک فوق‌العاده در حوزه امنیت جهانی، سیاست و اقتصاد است.

به همین دلایل چند وجهی، واشینگتن کاملاً درگیر پرونده سوریه به عنوان عرصه مهمی برای محدود کردن نفوذ روسیه و ایران در منطقه است. از این لحاظ، سناریوهای تغییر رژیم نقش فوق‌العاده مهمی در سیاست امریکا در غرب آسیا بازی می‌کنند.

در سال ۲۰۱۱، به علت سرخوشی، شعف و خوش‌بینی به اصطلاح بهار عربی، اعتراضات ضد دولتی در سوریه آغاز شد و به سرعت با استفاده از سلاح‌ها و برنامه‌های غرب گسترش یافت.

انبوهی از جناح‌های مسلح در این دوره پر تلاطم پدید آمدند که هر یک از سوی دولت‌ها و منافع خارجی حمایت می‌شدند، از جمله ارتش آزاد سوریه، جبهه النصره، داعش، ارتش دمکراتیک سوریه، و دیگر گروه‌های گوناگون افراطی.

تا سال ۲۰۱۲، روشن شد که مهم‌ترین کشورهای درگیر و حامی شبه‌نظامیان تروریست در سوریه شامل امریکا، ترکیه، قطر، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، و اسرائیل می‌شدند. امریکا، در نمایشی مستقیم و بی‌پرده، به پشتیبانی از نیروهای دمکراتیک سوریه (SDF) به رهبری کردها می‌پردازد و با ارائه آموزش و تسلیحات به گروه‌های قومی کرد برای ایجاد یک منطقه خودمختار در شرق سوریه که انبوهی از جمعیت عرب آن خالی شد، گام برداشت.

این دسیسه‌ها با ورود روسیه و ایران که بنا به درخواست دولت سوریه وارد نبرد شدند و نیز حمایت نیروهائی مانند حزب‌الله لبنان و واحدهای بسیج مردمی عراق یا حشد الشعبی (PMU) را جلب کردند، پایان نیافت.

در بسیاری از این مناقشات، قدرت‌های غربی چشمان خود را به فعالیت‌های فزاینده تروریست‌ها در مرز سوریه و عراق بستند - و تا سال ۲۰۱۴، داعش توانست کنترل موصول و سه استان عراق را به دست گیرد.

مرز ۶۰۵ کیلومتری سوریه و عراق تحت سلطه داعش درآمد، چون این گروه خطوط تدارکاتی را به گروه‌های عراقی که در سوریه می‌جنگیدند، ارائه می‌کرد. هدف این ستراتیژی اعمال فشار بر ایران به منظور ترک حمایت از اسد، رئیس‌جمهور سوریه بود.

اما در یک حرکت متقابل غیر منتظره، نیروهای عمدتاً مورد حمایت ایران کارزار بازپس‌گیری سرزمین‌های تحت قلمرو داعش را آغاز کردند. پس از ۱۲۰۰ روز نبرد بسیار سخت، آن‌ها موفق شدند، کنترل مرزهای عراق را از چنگال خلافت خودخوانده آن‌ها خارج کنند.

اختلافات مرزی

در سمت مرز سوریه، ارتش عربی سوریه، با پشتیبانی روسیه و متحدین دیگر، توانست به طور موفقیت‌آمیزی بخش‌های وسیعی از قلمرو شبه نظامیان مسلح را بازپس بگیرد، تنها گروه‌های شبه نظامی در شرق سوریه، به ویژه در شهر حلب، جایی که هیأت تحریر شام (نام جدید جبهه النصره) بر آن تسلط دارد، باقی ماند.

نگرانی خاص امریکا حضور دایمی جریان مورد حمایت ایران، واحدهای حشد الشعبی عراق، در مرزهای سوریه با عراق بوده است. برای کنترل آن مرز، ائتلاف بین‌المللی به رهبری امریکا - گهگاه اسرائیل نیز به آن ملحق می‌شود -

عملیات هدفمند بی‌شماری علیه واحدهای حشد الشعبی عراق در امتداد مرز عراق انجام داده است. واشینگتن ادعا می‌کند که این کار را برای «دفاع از خود» انجام می‌دهد تا از حمله علیه نیروهای امریکائی مستقر در پایگاه‌هائی مثل التنف در سوریه و عین الاسد در عراق، جلوگیری کند.

این موضعی است که قوانین بین‌المللی از آن حمایت نمی‌کنند: نیروهای امریکائی که به شکل غیر قانونی یک کشور مستقل را اشغال کرده اند نمی‌توانند ادعای دفاع از خود داشته باشند.

به هر حال، این تحولات امریکا را وادار کرده است تا مرز عراق را در ستراتیژی گسترده‌تر خود در سوریه اولویت‌بندی کند. آن‌طور که حازم الشرع، کارشناس مسایل ستراتیژیک به روزنامه کریدل می‌گوید: «این مرزها نه تنها بخشی از جنگ سوریه است، بلکه به بخشی از جنگ اوکراین و مناقشه واشینگتن با مسکو و تهران تبدیل شده است.»

اکنون کنترل گذرگاه مرزی القائم (در سمت عراق) مقتدرانه در دست نیروهای حشد الشعبی است. هرگاه امریکا لازم می‌بیند که آن کنترل را تضعیف کند، مدعی می‌شود که حشد الشعبی علیه پایگاه و سربازان امریکا دست به حمله زده است، تا در اقدامی تلافی‌جویانه علیه مواضع حشد الشعبی عملیات انجام دهد.

در تصویر بزرگتر، روسیه - به عنوان متحد ثابت قدم و شریک ستراتیژیک دمشق - همچنین نقشی در تحکیم تسلط بر اشغال غیرقانونی امریکا در سوریه ایفاء می‌کند. اکنون نیروهای روسی به نقطه تماس با نیروهای دمکراتیک سوریه (SDF) تحت حمایت ایالات متحده رسیده اند.

روسیه و امریکا در صحنه نیابتی

علی‌الشماری پژوهشگر مرکز الرافضین برای مطالعات ستراتیژیک می‌گوید این قضیه «هراس طرف امریکائی را از کاهش نفوذ در سوریه افزایش داده است.» او در ادامه به نشریه کریدل می‌گوید: «واشینگتن در جبهه اوکراین باخته است، و دیگر نمی‌خواهد باخت دیگری را در جبهه سوریه تجربه کند.»

ولادیمیر واسیلیوف، پژوهشگر ارشد در مؤسسه آکادمی علوم روسیه برای ایالات متحده و کانادا، معتقد است که شکست امریکا در اوکراین ممکن است درگیری با سوریه را به سرعت تشدید کند: واشینگتن «با دستان اوکراین به روسیه حمله می‌کند. شکست در این حمله امریکا را ترغیب می‌کند تا به طرح جایگزین در سوریه متوسل شود.»

در ۲۳ جولای ۲۰۲۳، در یک رویداد بالقوه خطرناک یک جت جنگنده نیروی هوایی روسیه از برخورد با یک پهباد انتلاف امریکائی از خطر جست. در این ماه‌های گذشته شاهد افزایش تشنج‌های نامحسوس و در عین حال ملموس میان روسیه و امریکا در سوریه بوده ایم.

منابع امنیتی سوریه به کریدل می‌گویند که نیروهای امریکا در سوریه از ۵۰۰ سرباز به ۱۵۰۰ سرباز افزایش یافته اند، که همه آن‌ها از مرز الولید از عراق وارد کشور شده اند. در ضمن، یک افسر عالی‌رتبه گارد مرزی عراق می‌گوید:

«نشانه‌هائی وجود دارد که از عملیات آینده ارتش امریکا در مرز سوریه و عراق در سمت سوریه خیر می‌دهد.»
از سوی دیگر، یک منبع ارشد امنیتی سرویس ضد-تروریسم عراق به کریدل گزارش می‌دهد که «امریکائی‌هائی که ما در فرماندهی عملیات مشترک هفتگی ملاقات کردیم و کسانی که ما را از حرکات آن‌ها و حملات هوایی آن‌ها در خاک عراق علیه داعش مطلع می‌کردند، خبری در باره عملیات نظامی در خاک عراق به ما ندادند.»

خطرات و انتلاف‌ها

وقتی ثابت العباسی، وزیر دفاع عراق، همراه با فرماندهان عالی‌رتبه ارتش و سرویس ضد-تروریسم عراق، در ۷ اگست به طور پنهانی به واشینگتن سفر کردند، شک و تردید نسبت به طرفندگی ارتش آمریکا بیش‌تر شد. گرچه جزئیات این سفر برملا نشده است، اما منابع خصوصی به **کریدل** می‌گویند که ستراتیژی جدید استقرار نیروهای آمریکا در شرق سوریه به مقامات رسمی عراقی ارائه شده است. انتظار می‌رود اجرای این ستراتیژی به بعد از تقویت نیروها موكول شود.

این منابع افزودند که آمریکایی‌ها به لزوم خنثی کردن نیروهای مسلح شیعه عراق و درگیری احتمالی آن‌ها با نیروهای آمریکایی و ارتش عربی سوریه در مرزهای عراق تأکید کردند. آن‌طور که قاضی فیصل، رئیس مرکز مطالعات عراق، به **کریدل** می‌گوید، به نظر می‌رسد توجه و منافع آمریکا در سوریه ذره‌ای کاهش نیافته است: «نقشه آمریکا در سوریه سه محور دارد: مسکو را وادارد که نیروهای بیش‌تری به سوریه بفرستد تا فشار بر اوکراین را کاهش دهد، حضور ایران در سوریه را مسدود کند، و راه‌های انتقال راکت‌های پیشرفته ایران به حزب‌الله لبنان را قطع کند.» قامشلی، شهری در شمال شرقی سوریه در ۶۸۰ کیلومتری دمشق، به دلیل همزیستی حوزه‌های نفوذ آمریکا و نیروهای دمکراتیک سوریه از یک سو، و از سوی دیگر، موقعیت نظامی روسیه در فرودگاه محلی، به عنوان کانونی بالقوه برای تقابل بین منافع روسیه و آمریکا ظاهر می‌شود.

در این ترکیب پیچیده، چندین جناح نظامی هم‌سو با تهران و دمشق نیز ادعائی بر این مناطق دارند. کریل سمنوف، کارشناسی از شورای امور بین‌المللی روسیه، خاطرنشان می‌کند که «در صورت هر تحریکی از هر طرف، هر احتمالی ممکن خواهد بود.»

برگرفته از: گرینویل پُست

منتشر شده در تاریخ: ۲۳ اگست ۲۰۲۳